

Studying the Effectiveness of Maternal Empowerment Program (MEP) on Reducing the Use of Corporal Punishment in Mothers Exposed to Domestic Violence

Shirin

Naghiebalsadate 

Department of Counseling, Faculty of Humanities
& Social Sciences, University of Kurdistan,
Kurdistan, Iran

Omid Isanejad 

Associate Professor, Department of Counselling,
Researcher in Family Pathology and Training
Research Group, University of Kurdistan,
Kurdistan, Iran.

Abstract


The amount of use of corporal punishment is higher among mothers exposed to Intimate Partner Violence (IPV). Children's assessment of domestic violence and their low ability to deal with this phenomenon causes behavioral, emotional and adjustment problems. The aim of this study was to evaluate the effectiveness of Maternal Empowerment Program (MEP) on reducing the use of corporal punishment in mothers exposed to domestic violence. This research was conducted by A-B-A design method. The participants of this study were all mothers who had experienced IPV during the last two years. The Mothers Empowerment Program was trained to 8 abused mothers in ten 90-minute sessions based on the Sandra Graham Berman protocol. The Alabama Parenting Questionnaire (APQ) was used to collect data in this study. The results of Cohen's d which is in the range of 1.13 to 1.82, showed that the empowerment program for mothers has been effective in reducing the use of corporal punishment of mothers exposed to IPV with children 6 to 12. The results of the present study show that a relatively short intervention program can reduce the use of corporal punishment of parents even in deprived populations with stressful conditions.


Keywords: Moms Empowerment Program, Physical Punishment, Intimate Partner Violence (IPV).

* Corresponding Author: farhangmad@gmail.com

How to Cite: Naghibalsadate, Sh., Isanejad, O. (2022). Studying the Effectiveness of Maternal Empowerment Program (MEP) on Reducing the Use of Corporal Punishment in Mothers Exposed to Domestic Violence, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 13(51), 59-84.

بررسی اثربخشی برنامه توانمندسازی مادران (MEP) بر کاهش استفاده از تنبیه بدنی در مادران در معرض خشونت خانگی

شیرین نقیب الساداتی  کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

امید عیسی نژاد*  دانشجویار گروه مشاوره، پژوهشگر آسیب شناسی خانواده و گروه آموزشی تربیتی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

چکیده

میزان استفاده از تنبیه بدنی در میان مادران در معرض خشونت خانگی شایع‌تر است. ارزیابی کودکان از خشونت خانگی و توانایی کم آن‌ها برای مقابله با این پدیده، عامل بروز مشکلات رفتاری، عاطفی و سازگاری در کودکان است. هدف این پژوهش بررسی اثربخشی برنامه توانمندسازی مادران (MEP) بر کاهش استفاده از تنبیه بدنی در مادران در معرض خشونت خانگی بود. این پژوهش به روش طرح تک موردی A-B-A انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام مادرانی بود که در طی دو سال گذشته تجربه خشونت خانگی داشتند. برنامه توانمندسازی مادران بر اساس پروتکل ساندرز گراهام‌برمن در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به ۸ نفر از مادران خشونت دیده آموزش داده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از پرسشنامه والدگری آلاباما (APQ) استفاده شد. نتایج شاخص‌ها با استفاده از (d cohen) که در دامنه ۱/۱۳ تا ۱/۸۲ قرار دارد نشان داد که برنامه توانمندسازی مادران بر کاهش استفاده از تنبیه بدنی در میان مادران در معرض خشونت خانگی مؤثر بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که برنامه توانمندسازی مادران می‌تواند استفاده از مجازات فیزیکی را در میان جمعیت‌های محروم نیز کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی مادران، تنبیه بدنی، خشونت خانگی

مقدمه

خشونت شریک زندگی^۱ (IPV) یک نگرانی اجتماعی مهم و قابل توجه است (آستین و همکاران^۲، ۲۰۲۰). خشونت شریک زندگی کارکرد کل خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌نوعی همه اعضای خانواده را درگیر می‌کند (اصلائی و همکاران، ۱۳۹۸). این پدیده را اگرچه به‌عنوان تابعی از هنجارها و ارزش‌های هر جامعه در نظر گرفته‌اند (نامنی و خدادادی، ۱۳۹۸). ولی نمی‌توان به‌هیچ‌عنوان آن را مخصوص یک جامعه یا محدود به یک طبقه‌ی خاص در نظر گرفت. بلکه این امر مهم، یک پدیده جهانی است که کشورهای پیشرفته نیز با این مسئله هم‌روزه درگیر هستند (خاقانی فرد و خسروی، ۱۳۸۳). خشونت شریک زندگی به‌عنوان یک مسئله بهداشت عمومی در ایالات متحده و در سرتاسر جهان تعریف شده است (ویلی و کرشاو^۳، ۲۰۱۹). نظرسنجی‌های ملی در میان زنان آمریکایی نشان می‌دهد که ۲۲/۳٪ خشونت جسمی، ۱۵/۸٪ اجبار جنسی و ۸/۴٪ پرخاشگری روان‌شناختی را تجربه کرده‌اند (اسکرافورد و همکاران^۴، ۲۰۱۹). تحقیقات نشان داده است که میزان خشونت خانگی علیه زنان از ۳۵٪ تا ۵۶٪ در نوسان است (آستین و همکاران^۵، ۲۰۲۱). در طول یک طرح ملی در ایران که در ۲۸ استان کشور انجام شد شیوع خشونت در بین زنان ایرانی ۶۶٪ گزارش شد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین در مطالعه که توسط قراچه و همکاران در سال ۱۳۹۹ انجام شد؛ یافته‌ها نشان داد که ۲۴/۷٪ خشونت فیزیکی، ۱۲/۵٪ خشونت جنسی، ۷۵/۶٪ خشونت روانی، ۵۳/۸٪ خشونت کلامی و ۳۱/۶٪ خشونت منجر به صدمه را تجربه کرده‌اند (قراچه و همکاران، ۱۳۹۹). خشونت عاطفی یا روانی به‌عنوان شایع‌ترین نوع خشونت شناخته شده است (مصطفی و همکاران، ۱۴۰۰).

1. Intimate Partner Violence (IPV)

2. Stein, S. F; Prakken, K; Grogan-Kaylor, A; Galano, M. M; Clark, H. M; & Graham-Bermann, S. A

3. Willie, T. C; & Kershaw, T. S

4. Schaefer, L. M; Howell, K. H; Sheddan, H. C; Napier, T. R; Shoemaker, H. L; & Miller-Graff, L. E

5. Stein, S. F; Galano, M. M; Grogan-Kaylor, A; Clark, H. M; Ribaud, J. M; & Graham-Bermann, S. A

آمارهای موجود نشان می‌دهد که پدیده خشونت خانگی به‌عنوان یک معضل اجتماعی در ایران و جهان به‌شمار می‌آید (ترکاشوند و همکاران، ۱۳۹۲).

خشونت شریک زندگی یک نوع تعامل اجتماعی پیچیده و خارج از مضمون در میان افرادی است که درگیر رابطه نزدیکی با یکدیگر شده‌اند و اپیزودهای خشونت را از خود نشان می‌دهند (کوتی و همکاران^۱، ۲۰۱۹). خشونت شریک زندگی لزوماً یک طرفه نیست. هر یک از شرکا ممکن است در شرایط و موقعیت‌های متفاوت نقش متخلف را بازی کنند (لارسن و همبرگر^۲، ۲۰۱۵). خشونت شریک زندگی انواع گوناگونی از آزار و اذیت (آزار جسمی، جنسی، روان‌شناختی، محرومیت اقتصادی یا عاطفی) اعمال شده بر همسر را در بر می‌گیرد (رولرو^۳، ۲۰۲۰). تحقیقات نشان داده است که حدود ۶۹٪ از زنان در طول یک سال گذشته حداقل یکی از پنج نوع خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند که بسیاری از آن‌ها مادران هستند (اوغونباجو و همکاران^۴، ۲۰۲۰). علاوه بر این تقریباً ۸۵٪ از کودکان در خانواده‌های هستند که خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند (گالانو و همکاران^۵، ۲۰۲۱). خشونت خانگی دارای طیف گسترده‌ای از آثار مخرب جسمی و روانی شناخته شده بر سلامت مادران و کودکان است؛ که به‌خوبی مستند شده است (چاترجی و همکاران^۶، ۲۰۲۰؛ کلارک و همکاران^۷، ۲۰۲۱). جو عاطفی خانواده، نحوه روابط و تعامل اعضاء در درون خانواده بر عملکرد اعضای خانواده تأثیرگذار است (کاظمیان و کریمی، ۱۳۹۷). تحقیقات نشان داده است که قرار گرفتن مادران در معرض خشونت خانگی، با نتایج منفی فرزندپروری از جمله مشارکت مادرانه کمتر و استفاده بیشتری از تنبیه بدنی همراه است (آستین و همکاران^۸، ۲۰۲۰؛ کوارتاس و همکاران^۹، ۲۰۱۹).

1. Cotti, C; Foster, J; Haley, M. R; & Rawski, S. L
2. Larsen, S. E; & Hamberger, L. K
3. Rollero, C
4. Ogunbajo, A; Oginni, O. A; Iwuagwu, S; Williams, R; Biello, K; & Mimiaga, M. J
5. Galano, M. M; Grogan-Kaylor, A; Clark, H. M; Stein, S. F; & Graham-Bermann, S. A
6. Chatterji, S; Heise, L; Gibbs, A; & Dunkle, K
7. Clark, H. M; Galano, M. M; Grogan-Kaylor, A; Stein, S. F; & Graham-Bermann, S. A
8. Stein, S. F; Hunter, E. C; Graham-Bermann, S. A; Galano, M. M; Clark, H. M; & Grogan-Kaylor, A. C
9. Cuartas, J; Grogan-Kaylor, A; Ma, J; & Castillo, B

تنبيه يا مجازات بدني به معنای استفاده از نیروی فیزیکی جهت ایجاد درد بدون آسیب برای تصحیح یا کنترل رفتار کودکان می‌باشد (فلکمن و همکاران^۱، ۲۰۲۱؛ آوینون و همکاران^۲، ۲۰۱۸). مجازات جسمی علیه کودکان شامل تنبيه، ضربه زدن، کتک کاری با استفاده از یکشی مانند میله یا چوب، کشیدن مو و چرخاندن گوش می‌باشد و همچنین مجازات چهره (اخم کردن) نیز به‌عنوان یک خشونت، علیه کودکان محسوب می‌شود (برلین و همکاران^۳، ۲۰۰۹). کنوانسیون سازمان ملل متحد^۴ (U.N)، اهداف توسعه پایدار^۵ (SGDs)، سازمان‌های حرفه‌ای و دانشمندان در مورد حقوق کودکان به‌صراحت اعلام کرده‌اند که مجازات فجیع و سایر اشکال مجازات، بی‌رحمانه و خشونت‌آمیز است و باید در همه زمینه‌ها ممنوع شود (کوارتاس^۶، ۲۰۲۱؛ روسی و بوورن-دیوی^۷، ۲۰۰۷). به‌طور عمده در پاسخ به این نگرانی‌های حقوق بشر، یک جنبش رو به رشد برای منع انواع مجازات‌های بدنی اعمال شده بر علیه کودکان توسط ۵۴ کشور در نوامبر ۲۰۱۸ تشکیل شده است و از والدین خواسته‌اند تا از اشکال جایگزین، برای ایجاد نظم و انضباط استفاده کنند (ابتکار جهانی برای پایان دادن به تمام مجازات‌های بدنی کودکان^۸، ۲۰۱۸). تحقیقات نشان داده است که میزان استفاده از تنبيه بدنی در میان مادران بیشتر از پدران است؛ ۷۳/۵٪ از پسران و ۶۵/۶٪ از دختران توسط مادران خود تنبيه بدنی شده‌اند (لئو و یانگ^۹، ۲۰۱۸؛ یانگ^{۱۰}، ۲۰۱۹؛ لئو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۱). کاهش استفاده والدین از تنبيه بدنی ممکن است یک راه طولانی در مسیر کاهش تعداد کودکانی که هر ساله رنج می‌کشند، باشد (مک

-
1. Fleckman, J. M; Scholer, S. J; Branco, N; & Taylor, C. A
 2. Avinun, R; Davidov, M; Mankuta, D; & Knafo-Noam, A
 3. Berlin, L. J; Ispa, J. M; Fine, M. A; Malone, P. S; Brooks-Gunn, J; Brady-Smith, C; & Bai, Y
 4. United Nations (U.N)
 5. Sustainable Development Goals - SGDs
 6. Cuartas, J
 7. Roose, R; & Bouverne-de bie, m
 8. Global Initiative to End All Corporal Punishment of Children
 9. Liu, L; & Wang, M
 10. Wang, M
 11. Liu, W; Guo, S; Qiu, G; & Zhang, S. X

دونالد و همکاران، ۲۰۰۶).

در حال حاضر پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که مجازات یا تنبیه در بهترین حالت ناکارآمد است و در بدترین حالت مضر می‌باشد. نتایج منفی تنبیه بدنی در سراسر جهان مشابه است (گریشاف^۱، ۲۰۱۳). علاوه بر ناکارآمدی تنبیه بدنی در تغییر رفتار کودکان، دارای پیامدهای نامطلوب بسیاری نیز می‌باشد (فلکمن و همکاران^۲، ۲۰۱۹). کودکان در معرض خشونت خانگی، مشکلات روانی بسیاری را تجربه می‌کنند (گراهام-برمن و همکاران^۳، ۲۰۲۱). نتایج یک سری از فراتحلیل‌ها نشان داد که تنبیه با افزایش مشکلات سلامت روان در کودکی و بزرگسالی، رفتار ضداجتماعی در کودکی، رفتار جنایی در دوران بزرگسالی، مشکلات روانی به‌ویژه افسردگی، رابطه منفی والدین و فرزند تحت عنوان فرایند انتقال بین نسلی و افزایش خطر ابتلا به مخاطرات جسمی همراه است (برنز و همکاران^۴، ۲۰۲۱؛ آدیا و جونگ^۵، ۲۰۱۹؛ گروگان کایلور می و گراهام-برمن^۶، ۲۰۱۸؛ گراهام-برمن و همکاران^۷، ۲۰۱۵). این یافته‌ها باعث شد که آکادمی اطفال آمریکا^۸ (AAP) در نوامبر ۲۰۱۸ بیانیه جدیدی را صادر کند و از پزشکان اطفال بخواهد تا به والدین و سایر مراقبین توصیه کنند که از تنبیه بدنی استفاده نکنند؛ نه در حالت عصبانیت و نه به‌عنوان مجازات رفتار نادرست (فینکلهور و همکاران^۹، ۲۰۱۹). تا به امروز چندین مداخله مؤثر در جهت کاهش اثرات خشونت خانگی اعمال‌شده بر زنان و فرزندان و افزایش فرزندپروری مثبت مادران شناسایی شده است (ویتفیلد و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۳).

-
1. Gershoff, E. T
 2. Fleckman, J. M; Taylor, C. A; Theall, K. P; & Andrinopoulos, K
 3. Graham-Bermann, S. A; Roberts, A; Osbourne, M; Shaughnessy, S; & Finkelstein, S
 4. Burns, K; Helland, H. S; Križ, K; Sánchez-Cabezudo, S. S; Skivenes, M; & Strömpl, J
 5. Adhia, A; & Jeong, J
 6. Grogan-Kaylor, Ma, J; & Graham-Bermann, S. A
 7. Graham-Bermann, S. A; Miller-Graff, L. E; Howell, K. H; & Grogan-Kaylor, A
 8. American Academy of Pediatrics (AAP)
 9. Finkelhor, D; Turner, H; Wormuth, B. K; Vanderminden, J; & Hamby, S
 10. Whitfield, C. L; Anda, R. F; Dube, S. R; & Felitti, V. J

در این راستا یکی از مداخله‌های کوتاه‌مدت برای تغییر نگرش به مجازات‌های بدنی، یک برنامه تعاملی است که راهبردهای انضباطی را در برابر استفاده از مجازات و تنبیه قرار می‌دهد (چاوایس و همکاران^۱، ۲۰۱۳). این برنامه تحت عنوان برنامه توانمندسازی مادران^۲ (MEP)، که توسط سندارا گراهام‌برمن در سال ۲۰۱۲ تدوین شده است (گراهام‌برمن، ۲۰۱۲). روش‌های جدیدی برای درک فرزندان و نیازهای آن‌ها ارائه می‌دهد. همچنین مهارت‌هایی برای کنترل کردن آن‌ها دارد (گراهام‌برمن و همکاران^۳، ۲۰۱۲). این برنامه با رویکردی تلفیقی بر مبنای نظریه فمینیسم، نظریه درماندگی آموخته‌شده و نظریه انتقال بین نسلی بوئن^۴ (۱۹۶۰) تدوین شده است. نظریه انتقال بین نسلی بوئن بیان می‌کند که شوهر-های زن آزار اصولاً از خانواده‌های خشن می‌آیند. این نظریه به بررسی تأثیر تعاملات والدین در خانواده پدری‌شان بر تعاملات آنان با فرزندان‌شان می‌پردازد. تأکید اصلی این دیدگاه بر نظام هیجانی خانواده و پیشینه آن است. این نظریه از محدوده نظام فعلی خانواده فراتر رفته و نسل‌های گذشته و آینده را پوشش می‌دهد (شارف، ۱۹۶۸، ترجمه: فیروزبخت، ۱۳۸۱).

هدف در رویکرد بوئن (۱۹۷۶) آگاه کردن والدین از الگوهای که نسل به نسل انتقال یافته، کمک کردن به اعضای خانواده برای آگاه شدن از روابطی که دیگر کارساز نیستند و به وجود آوردن روش‌های تازه تعامل کردن برای کاستن از پریشانی‌ها است (بوئن، ۱۹۷۶).

برنامه توانمندسازی مادران به منظور ارتقای سازگاری اجتماعی و عاطفی مادرانی که در دو سال گذشته خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند، طراحی شده است تا از این طریق اثرات مخرب خشونت خانگی را بر سلامت روان آن‌ها کاهش دهد (هاول و همکاران^۵،

1. Chavis, A; Hudnut-Beumler, J; Webb, M. W; Neely, J. A; Bickman, L; Dietrich, M. S; & Scholer, S. J

2. Moms Empowerment Program (MEP)

3. Graham-Bermann, S. A; Castor, L. E; Miller, L. E; & Howell, K. H

4. Bowen, M

5. Howell, K. H; Miller, L. E; Lilly, M. M; Burlaka, V; Grogan-Kaylor, A. C; & Graham-Bermann, S. A

۲۰۱۵). به‌طور مشخص این برنامه «چشم‌انداز نقاط قوت» را در برمی‌گیرد. هدف این رویکرد برگرداندن احترامی است که ممکن است در یک رابطه خشونت‌آمیز و تحقیرآمیز از دست‌رفته باشد (گروگان کایلور و همکاران^۱، ۲۰۲۰). برنامه توانمندسازی مادران با اتخاذ رویکرد نقاط قوت خانوادگی، به دنبال برگرداندن امید آن‌ها به یک زندگی خوب و شاد هم برای خودشان و هم فرزندانشان و کاهش اثرات حوادث آسیب‌زا در طول مسیر است. همچنین گروه توانمندسازی مادران بر تقویت جنبه‌های محافظتی در زندگی زنان از جمله پشتیبانی اجتماعی، منابع جامعه و مهارت‌های والدین متمرکز شده است (گروگان کایلور و همکاران، ۲۰۲۰).

پژوهش‌های بسیاری به بررسی اثربخشی برنامه توانمندسازی مادران پرداخته‌اند. از جمله پژوهش گروگان کایلور و همکاران^۲ (۲۰۱۶) که نشان می‌دهد شرکت در مداخله توانمندسازی مادران باعث کاهش استفاده مادران از تنبیه بدنی در کودکان پیش‌دبستانی شده است؛ پژوهش موزیک و همکاران^۳ (۲۰۱۵) که به بررسی اثربخشی برنامه توانمندسازی مادران بر افزایش کیفیت فرزندپروری پرداخته است؛ پژوهش هاول و همکاران (۲۰۱۵) که نشان می‌دهد شرکت در مداخله توانمندسازی مادران باعث تقویت فرزندپروری مثبت در میان مادران در معرض خشونت خانگی می‌شود؛ پژوهش آستین و همکاران (۲۰۲۰) که نشان داد مادران در معرض خشونت شریک زندگی، میزان بالای استفاده از تنبیه بدنی در رابطه با کودکان خود گزارش داده‌اند؛ و همچنین پژوهش گروگان کایلور و همکاران^۴ (۲۰۱۹) نشان داد که متغیرهای اقتصادی - اجتماعی سهم کمی در شیوه‌های فرزندپروری مثبت یا منفی دارند. با این وجود سن کودک، افسردگی و

1. Grogan-Kaylor, A; Galano, M. M; Stein, S. F; Clark, H. M; & Graham-Bermann, S. A

2. Grogan-Kaylor, A; Galano, M. M; Howell, K. H; Miller-Graff, L; & Graham-Bermann, S. A

3. Muzik, M; Rosenblum, K. L; Alfafara, E. A; Schuster, M. M; Miller, N. M; Waddell, R. M; & Kohler, E. S

4. Grogan-Kaylor, A; Galano, M. M; Howell, K. H; Miller-Graff, L; & Graham-Bermann, S. A

استرس مزمن باعث تغییر شیوهی فرزندپروری مثبت به منفی در خانواده‌های مبتلا به خشونت خانگی می‌باشد.

همچنین بررسی پیشینه پژوهشی در ایران نشان داد که علی‌رغم کاربردها و مزایایی فراوانی که این روش مداخله دارد. در ایران کار پژوهشی در این زمینه انجام نشده است؛ بنابراین مهم‌ترین جنبه نوآوری این پژوهش، مربوط به نوآوری در جامعه موردبررسی است. نتایج این پژوهش از نظر علمی و عملی می‌تواند برای جامعه، خانواده‌ها و کلیه ترجمان‌های که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با کودکان و مادران سروکار دارند از جمله سازمان آموزش و پرورش، مراکز بهزیستی، مراکز اورژانس اجتماعی، مراکز توان‌بخشی مفید و کاربردی باشد.

لذا مسئله اساسی پژوهش حاضر ضمن تدوین برنامه‌ی جدید با حیطة گسترده برای آموزش به مادران خشونت دیده؛ این است که آیا آموزش برنامه توانمندسازی مادران می‌تواند تغییراتی در کاهش استفاده از تنبیه بدنی در مادران در معرض خشونت خانگی ایجاد کند؟

روش

روش پژوهش حاضر از نوع کاربردی با طرح پژوهش تک موردی و طرح A-B-A همراه با خط پایه‌ی و دوره‌ی پیگیری بود. در این طرح پژوهشی برنامه توانمندسازی مادران به‌عنوان متغیر مستقل و تنبیه بدنی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. داده‌ها در سه بازه زمانی جمع‌آوری شد. در این طرح، سری سنجش‌های اول یعنی خط پایه‌ی A شامل ۳ بار اندازه‌گیری رفتار هدف در شرایط قبل از مداخله. سری سنجش‌های موقعیت دوم B شامل ۵ بار اندازه‌گیری در طول اجرای مداخله درمانی. بعد از اتمام مداخله، سری سنجش‌های موقعیت سوم شامل ۳ بار اندازه‌گیری رفتار هدف در شرایط بعد از مداخله صورت گرفته است. بعد از آخرین جلسه‌ی درمان پیگیری اول در ماه اول، پیگیری دوم در ماه دوم و پیگیری سوم در ماه سوم انجام شد.

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام مادران خشونت دیده ساکن در مراکز وابسته به بهزیستی شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۸ بود که شامل ۴۳ نفر بود.

برای نمونه‌گیری در گام اول به مراکز بهزیستی حاضر به همکاری مراجعه شد. سپس بعد از بررسی پرونده مادران خشونت دیده و گفت‌وگو با مسئولین و مشاوران مراکز لیستی از افراد واجد شرایط و حاضر به همکاری تهیه شد که شامل ۳۰ نفر بود.

تعداد ۱۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب شد. از این تعداد ۷ نفر از ادامه پژوهش منصرف شدند و ۸ نفر تا پیگیری سوم حضور داشتند. ملاک‌های ورود شامل: زنانی که در دو سال گذشته تجربه خشونت خانگی داشته‌اند، امکان ایاب و ذهاب دارند، تحصیلات حداقل ابتدایی دارند، متعهد به رازداری باشند، رضایت‌نامه کتبی را تکمیل کنند، سابقه سوءمصرف مواد نداشته باشند، کمتر از ۵۰ سال سن داشته باشند، هم‌زمان داروهای اعصاب و روان مصرف نکنند، در دوره‌های آموزشی مشابه در طول یک سال گذشته شرکت نکرده باشند، کودکان معلول ذهنی و جسمی نداشته باشند و ملاک خروج نقض تعهدات جلسات بود. این ملاک‌ها به صورت خوداظهاری بررسی شد. به صورت مختصر ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان به شرح زیر است:

مشارکت‌کننده اول: اظهار داشت که وجود تعارضات و اختلافات عقیدتی - مذهبی بسیار با همسر، عاملی برای شروع و ادامه‌دار شدن اختلافات خانوادگی آن‌ها بوده است. ایشان پس از مدتی قهر و آشتی تقاضای طلاق داده که اکنون پس از گرفتن طلاق به همراه دو دخترش زندگی می‌کند.

مشارکت‌کننده دوم: اظهار داشت که اعتیاد به الکل، کتک‌کاری‌های فراوان، عدم حمایت و مسائل خاص خانواده مبدأ منجر به بروز مشکلات فردی و بین فردی ایشان شده است که در نهایت با طلاق گرفتن از همسر، قطع رابطه با خانواده اصلی خود و تنها زندگی کردن کنار آمده است.

مشارکت‌کننده سوم: اظهار داشت که ارتباط و ازدواج پنهانی همسر، عاملی برای شروع آزار و اذیت خانگی در بین خانواده آن‌ها بوده است. همسرش وی را تحت فشار قرار داده که خانه را ترک کند.

مشارکت‌کننده چهارم: اظهار داشت که در خانواده اصلی به شدت مورد خشونت قرار گرفته است. پس از فوت پدر و ازدواج مجدد مادر آزار و اذیت‌های ناپدری بسیار طاقت‌فرسا بوده است. پس از چندی مجبور به ازدواج با یکی از بستگان شده است. ایشان در تاریخچه مشکل خود اشاره به این دارد که خشونت تنها مختص خانه ناپدری نبود؛ پس از چند سال تحمل درد و رنج به همراه فرزندش از همسرش جدا شده است.

مشارکت‌کننده پنجم: اظهار داشت که در خانواده مبدأ مورد خشونت فیزیکی و جسمانی فراوان قرار گرفته است. پس از ازدواج با پسر فامیل در سن ۱۲ سالگی، مورد آزار و اذیت و شکنجه‌های سخت همسر هم قرار داشت.

مشارکت‌کننده ششم: اظهار داشت که همسر معتادش او و فرزندش را مجبور به انجام کارهایی می‌کرد که کاملاً در تضاد با اصول اخلاقی ایشان بوده است. تحمل این شرایط و نگرانی در مورد آینده فرزند تحت سرپرستی پدر معتاد منجر به تقاضای طلاق از همسر شد.

مشارکت‌کننده هفتم: اظهار داشت که اختلاف سنی بیش از ۲۵ سال، عاملی برای بروز اختلاف میان آن‌ها شده است. همسرش دائماً گمان می‌کند که خانمش روزی به او خیانت خواهد کرد. شکاکیت همسر به حدی است که وی حتی با اقوام نزدیک خود و همسرش نمی‌تواند رابطه اجتماعی هم برقرار کند.

مشارکت‌کننده هشتم: اظهار داشت که از ازدواج اولش فرزند پسری دارد که بعد از ازدواج با همسر فعلی و گذشت چند ماه خشونت‌ها و آزار و اذیت‌ها به بهانه فرزندش شروع می‌شود. ایشان پس از ترک خانه همسر، درخواست طلاق داده اما همسرش حاضر به طلاق دادن وی نمی‌باشد. وی را تهدید کرده که هر کجا ببیندش او را خواهد کشت.

جدول ۱. اطلاعات بیوگرافی مشارکت‌کنندگان

سن	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم
سن	۴۲	۳۵	۴۶	۲۶	۲۳	۲۷	۴۳	۳۴
تحصیلات	سیکل	دیپلم	سیکل	ابتدایی	ابتدایی	دیپلم	ابتدایی	سیکل
مدت ازدواج	۲۵ سال	۹ سال	۲۴ سال	۶ سال	۱۱ سال	۸ سال	۳۱ سال	۱۸ سال
وضعیت	مطلقه	مطلقه	متاهل	مطلقه	مطلقه	مطلقه	متاهل	مطلقه
تعداد فرزند	۲ فرزند	۱ فرزند	۲ فرزند	۱ فرزند	۳ فرزند	۱ فرزند	۲ فرزند	۱ فرزند

اطلاعات بیوگرافی مربوط به هر مشارکت‌کننده در جدول ۱ ذکر شده است. موضوعات مطرح شده در جلسات در جدول ۲ ذکر شده است.

جدول ۲. روش مداخله برنامه توانمندسازی مادران بر اساس پروتکل گراهام برمن و همکاران

(۲۰۱۵)

جلسات	شرح جلسات	اهداف
اول	تبدیل شدن به گروه.	ایجاد گروه به‌عنوان منبع حمایت و مکانی امن با تمرکز بر توانمندسازی زنان بازمانده از آزار و اذیت خانگی.
دوم	ترس‌ها و نگرانی‌های مادران، فرزند پروری تحت استرس.	بحث و بررسی در مورد نگرانی‌ها و دغدغه‌های فرزندپروری و ارتباط دادن تاکتیک‌های خشونت خانگی به استرس فرزندپروری.
سوم	رشد کودک: چه چیزی معمول است، چه چیزی نیست؟	بحث کردن و آگاهی بخشی در مورد اثرات خشونت خانگی بر رشد اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان و رفتار معمول و غیرمعمول آن‌ها.
چهارم	گفت‌وگو کردن در مورد خشونت خانگی.	کمک کردن به مادران برای یافتن راهی در جهت برقراری ارتباط مثبت با فرزند به‌منظور افزایش توان مقابله در فرزندان و کاهش مشکلات فرزندپروری مادران.
پنجم	برنامه توانمندسازی مادران اصل و نسب خانواده و خانواده مبدأ.	ارائه آموزش‌های لازم به مادرانی که می‌خواهند با فرزندان خود به شیوه‌ی متفاوتی با آنچه از خانواده مبدأ خود آموخته‌اند، برخورد کنند.
ششم	استراتژی‌های نظم دهی - چه چیزی مؤثر است؟	شناسایی مشکلات مربوط به مدیریت رفتار کودکان و به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد راهکارهای ممکن.
هفتم	طرح‌های ایمنی پاسخ‌های اجتماع و منابع.	منبع اصلی استرس برای مادران در معرض خشونت به دست آوردن خدمات اجتماعی و منابع موجود از جمله حمایت‌های معنوی و اقتصادی موردنیاز است.
هشتم	مدیریت استرس برای مادران و	ایجاد بحث و گفتگوی گروهی در رابطه با روش‌های مختلف مثبت و

اهداف	شرح جلسات	جلسات
منفی مقابله با استرس مربوط به فرزندپروری که در اینجا اغلب به معنویت و مذهب اشاره می‌شود.	کودکان.	
ایده تقویت مثبت، با تأکید بر تشویق و توجه به نقاط قوت کودک که به‌نوبه خود باعث کاهش رفتار منفی کودک شده و فرزندپروری را آسان‌تر می‌کند.	زمانی برای مادر بودن و خوش گذراندن با بچه‌ها.	نهم
به‌منظور تقویت برنامه و تطبیق آن با گروه‌های دیگر، به بررسی و پردازش دستاوردهای گروه می‌پردازند. خداحافظی با اعضای گروه و شرکت در مراسم اهدای جوایز به مادران.	مرور کلی برنامه توانمندسازی مادران و اختتام.	دهم

روش اجرای برنامه توانمندسازی مادران (MEP): برنامه توانمندسازی مادران یک مداخله مبتنی بر گروه، مداخله‌ای ده جلسه‌ای برای مادران در معرض خشونت خانگی است؛ که هر هفته به مدت ۶۰ تا ۹۰ دقیقه اجرا شد. برنامه توانمندسازی مادران برای ایجاد اعتماد به نفس و کاهش پریشانی از طریق ارائه منابع و حمایت از مادران در معرض خشونت در تلاش است. علاوه بر این، این برنامه به دنبال تقویت مهارت‌های فرزندپروری برای کاهش استرس در ارتباط مادر- فرزند است. برنامه توانمندسازی مادران به‌طور خاص رفتارهای فرزندپروری مادران را هدف قرار می‌دهد.

اخلاق در پژوهش: پروتکل این پژوهش پس از مکاتبه و کسب مجوز از مالک معنوی رویکرد برنامه توانمندسازی مادران، ساندررا گراهام برمن انجام گرفته است. بیانیه هلسینکی و کدهای اخلاق در پژوهش‌های انسانی کمیته اخلاق رعایت شد و تعهدنامه مربوطه تکمیل شده است. در همین راستا اهداف پژوهشی مداخله برای شرکت‌کنندگان تبیین شد، روال کار گام‌به‌گام تشریح شد، رضایت‌نامه جهت شرکت در جلسات اخذ شد، رازداری توجیه شد. پروپوزال طرح این پژوهش در «کمیته اخلاق در پژوهش» بررسی و با شناسه IR.UOK.REC. 1398.046 در سامانه کمیته ملی اخلاق در پژوهش ایران ثبت شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسل و پکیج SCVA در نرم‌افزار R (بولته و همکاران^۱، ۲۰۱۳) انجام شد.

پرسشنامه والدگری آلاباما^۲ (APQ): در این پژوهش از بعد تنبیه‌بدنی پرسشنامه خودگزارشی والدگری آلاباما که توسط فریک^۳ (۱۹۹۱) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۴۲ گویه و پنج خرده مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس مشارکت والدین، عدم ثبات در نحوه برخورد با فرزند، ضعف در نظارت و راهنمایی، تنبیه بدنی و فرزندپروری مثبت به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۵۴، ۰/۸۳، ۰/۷۹ و ۰/۸۲ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۴ گزارش شده است (فریک، ۱۹۹۱). شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ی لیکرتی (۱: هرگز تا ۵: همیشه) درجه‌بندی شده است (اسائو و همکاران^۴، ۲۰۰۶).

در ایران نسخه فارسی این مقیاس توسط سامانی (۱۳۹۰) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس مشارکت والدین، عدم ثبات در نحوه برخورد با فرزند، ضعف در نظارت و راهنمایی، تنبیه بدنی و فرزندپروری مثبت به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۷۶ و ۰/۷۸ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

نمرات خام اندازه‌گیری‌های مکرر و شاخص‌های توصیفی در مرحله خط پایه، مداخله و پیگیری مربوط به متغیر تنبیه بدنی در جدول شماره ۴ آمده است:

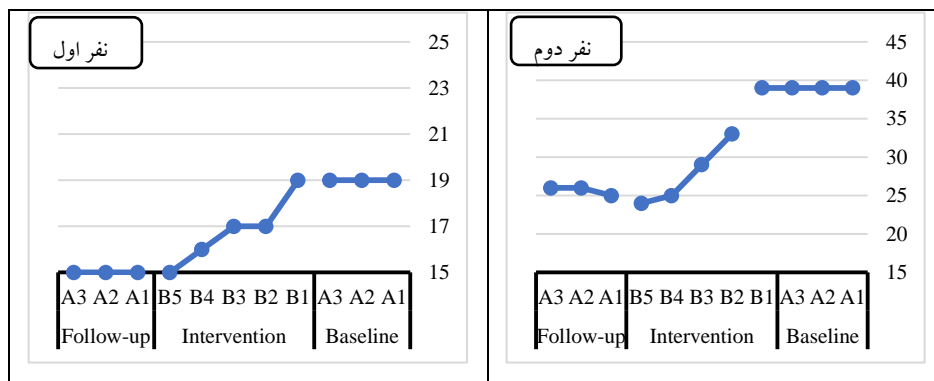
-
1. Bulte, I; Onghena, P; & Michiels, M. B
 2. Alabama Parenting Questionnaire (APQ)
 3. Frick, P
 4. Essau, C. A; Sasagawa, S; & Frick, P. J

جدول ۳. نمرات اندازه‌گیری‌های خط پایه، درمان و پیگیری و شاخص‌های اندازه

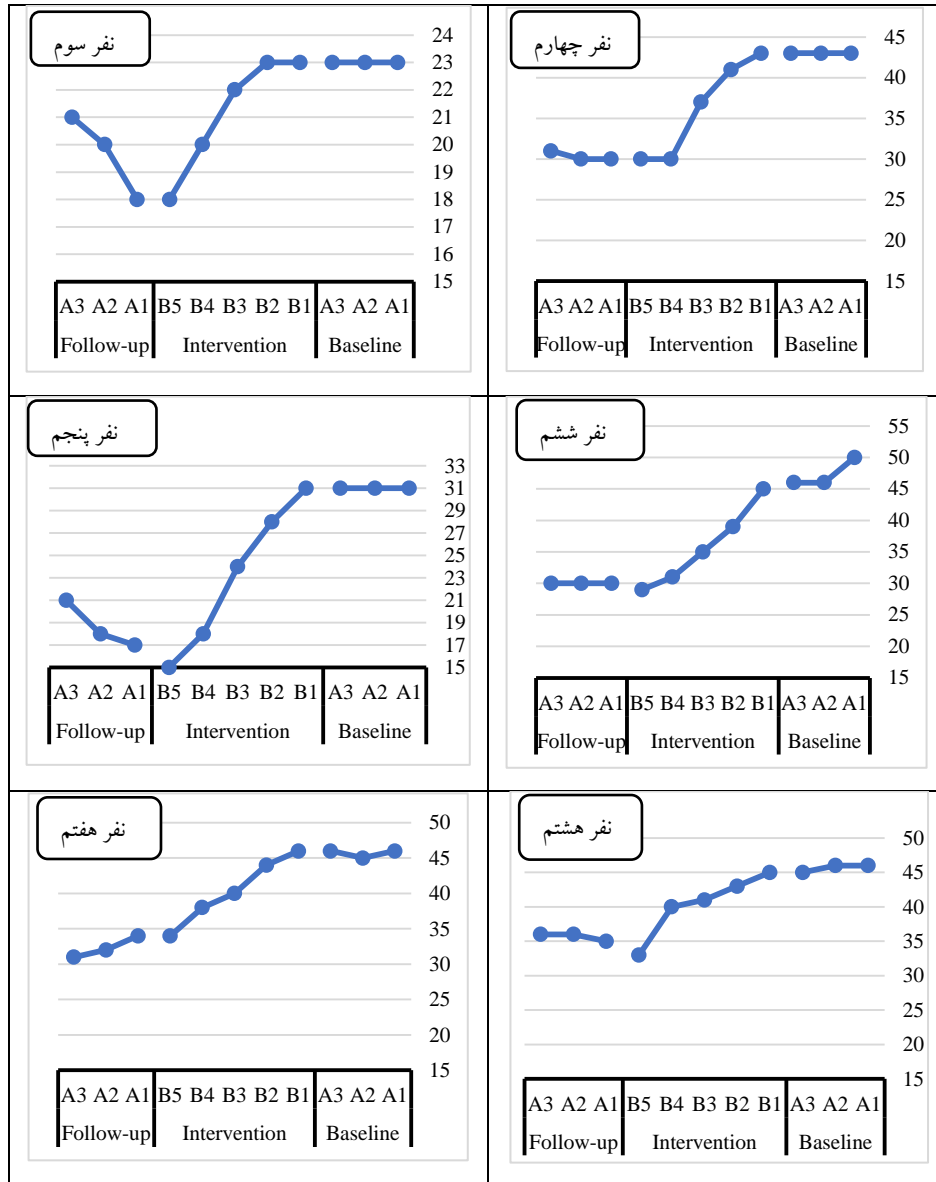
مراحل	آزمودنی شماره ۱	آزمودنی شماره ۲	آزمودنی شماره ۳	آزمودنی شماره ۴	آزمودنی شماره ۵	آزمودنی شماره ۶	آزمودنی شماره ۷	آزمودنی شماره ۸
دوره پایه (A1)	A1	۱۲۶	۱۴۵	۱۳۷	۱۴۱	۱۱۸	۱۴۳	۱۴۳
	A2	۱۲۶	۱۴۵	۱۳۷	۱۴۲	۱۲۲	۱۴۳	۱۴۲
	A3	۱۲۶	۱۴۵	۱۳۵	۱۴۲	۱۲۲	۱۴۳	۱۴۰
دوره مداخله (B)	B1	۱۲۴	۱۵۰	۱۳۷	۱۴۳	۱۱۶	۱۴۴	۱۴۱
	B2	۱۲۴	۱۳۸	۱۳۶	۱۳۹	۱۱۵	۱۴۱	۱۴۱
	B3	۱۲۴	۱۳۴	۱۳۵	۱۴۴	۱۱۴	۱۴۰	۱۴۲
	B4	۱۲۱	۱۳۴	۱۳۰	۱۴۱	۱۱۱	۱۴۱	۱۴۴
	B5	۱۱۸	۱۳۳	۱۲۸	۱۴۱	۱۱۲	۱۳۷	۱۴۱
دوره پیگیری (A2)	A1	۱۱۹	۱۲۹	۱۲۷	۱۴۱	۱۱۵	۱۳۸	۱۳۹
	A2	۱۱۸	۱۲۹	۱۲۹	۱۴۱	۱۱۶	۱۳۷	۱۴۰
	A3	۱۱۷	۱۲۷	۱۳۲	۱۳۸	۱۱۸	۱۳۴	۱۴۱
حداقل دوره پایه	۱۲۶	۱۴۵	۱۳۵	۱۴۱	۱۱۸	۱۳۵	۱۴۳	۱۴۰
حداکثر دوره پایه	۱۲۶	۱۴۵	۱۳۷	۱۴۱	۱۲۲	۱۳۹	۱۴۳	۱۴۳
میان دوره پایه	۱۲۶	۱۴۵	۱۳۷	۱۴۲	۱۲۲	۱۳۸	۱۴۳	۱۴۲
میانگین دوره پایه	۱۲۶	۱۴۵	۱۳۶/۳۳	۱۴۱/۶۷	۱۲۰/۶۷	۱۳۷/۳۳	۱۴۳	۱۴۱/۶۷
انحراف استاندارد دوره پایه	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۱۵	۰/۵۸	۲/۳۱	۲/۰۸	۰/۰۰	۱/۵۳
میانگین دوره مداخله	۱۲۲/۲۰	۱۳۷/۸۰	۱۳۳/۲۰	۱۴۱/۶۰	۱۱۳/۶۰	۱۳۱/۰۸	۱۴۰/۶۰	۱۴۱/۸۰
انحراف استاندارد دوره مداخله	۲/۶۸	۷/۰۹	۳/۹۶	۱/۹۵	۲/۰۷	۳/۷۰	۲/۵۱	۱/۳۰
میانگین دوره پیگیری	۱۱۸	۱۲۸/۳	۱۲۹/۳	۱۴۰	۱۱۶/۳	۱۲۹	۱۳۶/۳	۱۴۰
انحراف استاندارد دوره پیگیری	۱/۰۰	۱/۱۵	۲/۵۲	۱/۷۳	۳/۵۱	۱/۰۰	۲/۰۸	۱/۰۰
PND	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۳	۰/۶۷	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۳
PAND	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۱۷	۰/۳۳	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۱۷
PEM	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
d.Cohen.	۱/۸۱	۱/۸۲	۱/۶۶	۱/۱۳	۱/۴۷	۱/۷۴	۱/۷۲	۱/۱۳

همچنان که در جدول ۴ مشاهده می‌شود برای بررسی اندازه اثر برنامه توانمندسازی مادران بر کاهش استفاده از تنبیه بدنی از شاخص d کوهن، شاخص درصد داده‌های ناهمپوش^۱ (PND)، شاخص درصد کل داده‌های ناهمپوش^۲ (PAND) و شاخص درصد داده‌های بهینه از میانه^۳ (PEM) استفاده شد که از مهم‌ترین شاخص‌های اندازه اثر در طرح‌های ABA هستند (لنز^۴، ۲۰۱۳). مقادیر d کوهن در بالاتر از ۱ و میانگین آن ۱/۵۶ به دست آمد. همچنین مقادیر PND برابر با ۱ به دست آمد. مقادیر بالای ۰/۹۰ در هر دو نشانگر اندازه اثر بالا و قابل قبول است.

یافته‌های حاصل از تحلیل تغییرات داده‌های مربوط به اثربخشی برنامه توانمندسازی مادران بر کاهش استفاده از تنبیه بدنی در شکل ۱ نمایش داده شده است. نمودارها نشان می‌دهند روند تغییرات نمرات ۸ شرکت‌کننده در پژوهش در سه مرحله خط پایه، دوره درمان و دوره پیگیری در مجموع روند نزولی داشته است.



1. percentage of nonoverlapping data (PND)
2. percentage of all non overlapping data (PAND)
3. percentage of data exceeding the median (PEM)
4. Lenz, A. S



شکل ۱. تحلیل چشمی روند تغییرات هشت نفر مشارکت کننده در متغیر تنبیه بدنی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی میزان اثربخشی برنامه توانمندسازی مادران (MEP) بر کاهش استفاده از تنبیه‌بدنی در میان مادران در معرض خشونت خانگی انجام گرفت. یافته‌های حاصل از نمودار تحلیل چشمی مرتبط با متغیر تنبیه بدنی در میان ۸ نفر مشارکت‌کننده، حاکی از آن است که مشارکت در برنامه توانمندسازی منجر به کاهش استفاده مادران از تنبیه بدنی شده است. این میزان کاهش بلافاصله پس از مداخله و در دوره پیگیری هم قابل ملاحظه و چشم‌گیر بود.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش آستین و همکاران (۲۰۲۰)؛ گروگان کایلور و همکاران^۱ (۲۰۱۹)؛ گروگان کایلور و همکاران (۲۰۱۶)؛ موزیک و همکاران (۲۰۱۵) و همچنین پژوهش هاوول و همکاران (۲۰۱۵) همسو و همخوان است.

بخشی از آموزش‌های برنامه توانمندسازی مادران بر اساس مدل انتقال بین نسلی، بررسی بیشتر این نکته است که آنچه افراد در مورد کنار آمدن با استرس و فرزندپروری می‌دانند از خانواده‌های مبدأ کسب نموده‌اند. از نظر ساندرگراهام برمن (۲۰۱۵) بسیاری از زنانی که در برنامه توانمندسازی مادران شرکت می‌کنند دارای الگوهای نقش منفی، خشونت در خانواده مبدأ، آزار و اذیت یا می‌خوارگی بوده‌اند. باین حال می‌خواهند در رابطه با فرزندان خود به‌صورت متفاوتی عمل کنند؛ اما بیشتر اوقات مطمئن نیستند که چگونه آن را انجام دهند (گروگان کایلور و همکاران، ۲۰۲۰).

در تبیین اثربخشی برنامه توانمندسازی مادران بر کاهش استفاده مادران از تنبیه بدنی کودکان می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

بر اساس پروتکل ارائه‌شده (۲۰۱۲) در جلسه سوم، ششم و نهم برنامه که به‌طور اختصاصی به مبحث فرزندپروری به‌عنوان یکی از مشکل‌ترین و با ارزش‌ترین کارها می‌پردازد. در این جلسات ضمن آگاهی‌بخشی و بحث در مورد اثرات خشونت خانگی بر

1. Grogan-Kaylor, A; Galano, M. M; Howell, K. H; Miller-Graff, L; & Graham-Bermann, S. A

رشد اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان و همچنین گفت‌وگو در مورد انتظارات مادران از نحوه‌ی رفتار و درک نیازهای کودکان، به والدین گزینه‌های بیشتری برای کنترل و مدیریت رفتار کودکان (نظیر با فرزندان در مورد انتظاراتان، نقل مکان کردن و اینکه چرا خشونت رخ داد؛ صحبت کنید. با همکاری آن‌ها قوانینی برای فرزندان تعیین کنید. همراه با فرزندان تعیین کنید که اگر قانون‌شکنی کنند؟ چه اتفاقی خواهد افتاد. فقط چند تا محدودیت داشته باشید. هرگز چیزی را که فرزندان واقعاً به آن نیاز دارد مانند وعده غذایی به‌عنوان تنبیه از وی نگیرید. در ارتباط با فرزندان رک بودن و صداقت را فراموش نکنید و امثالهم) و همچنین لیستی از تقویت‌های مثبت فرزندپروری (نظیر آغوش گرفتن، داستان گفتن، تماشای فیلم، شگفت‌زده کردن آن‌ها با نهار در مدرسه، دیدار با دوستان و خانواده، رفتن به پارک، کتابخانه یا موزه و امثالهم) توسط گروه ارائه شده است.

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد که آموزش برنامه توانمندسازی مادران منجر به کاهش استفاده مادران از تنبیه بدنی در این نمونه جمعیتی شد. این یافته‌ها مقدمه‌ای برای انجام پژوهش‌های گسترده‌تر در گروه‌های جمعیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. این پژوهش اطلاعات ارزشمندی را در رابطه با تأثیرگذاری MEP بر شیوه‌های فرزندپروری در میان مادران در معرض خشونت خانگی ارائه می‌دهد. با این حال محدودیت‌های مهمی وجود دارد که باید در هنگام تفسیر نتایج این پژوهش در نظر گرفته شود.

اولین محدودیت مربوط به نوع ابزار و نحوه‌ی سنجش سازه است که با میزان اثربخشی مشاهده‌شده تعامل دارد. پرسشنامه‌هایی که به سنجش رفتار و فراوانی وقوع رفتار می‌پردازند در مقابل تغییر حساس‌ترند. چراکه رفتار هدف، مشخص‌تر است و تغییرات عینی‌ترند. پرسشنامه‌ی این پژوهش از نوع پرسشنامه‌های رفتار سنج بوده است و گویه‌های آن حیطه‌های عینی رفتار را سنجش می‌کنند. این گویه‌ها صرف‌نظر از ماهیت مداخله به اکثر مداخله‌ها، حساس هستند. علاوه بر این ابزار مورد استفاده در این پژوهش بسیار کلی و

نسبتاً کوتاه است، چراکه ابزارهای فارسی معتبر دیگری برای سنجش این متغیر در دسترس نبود.

همچنین محدودیت در قابلیت تعمیم یافته‌های این پژوهش نیز مشهود است. مشارکت‌کنندگان از یک منطقه جغرافیایی محدود، با درآمد کم، تحصیلات زیر دیپلم و اکثراً مطلقه بودند. پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده شامل ابزارهای جامع‌تر و کامل‌تری باشد که اطلاعات دقیق‌تری کسب شود. همچنین لازم است برنامه MEP مجدداً با نمونه‌های دیگر نیز تکرار شود تا در مورد اثربخشی آن شواهد بیشتری به دست آید.

باوجود محدودیت‌ها نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برنامه توانمندسازی مادران روشی مؤثر برای کاهش استفاده از تنبیه بدنی در مادران در معرض خشونت خانگی است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارد.

سپاسگزاری

به‌رسم اخلاق و امانت‌داری علمی بدین‌وسیله از ساندرای گراهام‌برمن از موسسه میشیگان برای در اختیار گذاشتن پروتکل مداخله و دادن اجازه برای مطالعه و به‌کارگیری این پروتکل به‌صورت کاملاً رایگان بر روی نمونه ایرانی تشکر می‌گردد. همچنین از تمام حمایت‌کنندگان و افراد مشارکت‌کننده در پژوهش سپاسگزاریم.

منابع

- اصلائی، خالد؛ خدادادی اندریه، فریده؛ امان‌الهی، عباس؛ رجیبی، غلامرضا؛ استیس ام، سندرا، (۱۳۹۸). اثربخشی زوج‌درمانی متمرکز بر خشونت خانگی در خشونت علیه زنان؛ مداخله در رابطه زوجین ناسازگار ساکن شهر اهواز. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۹ (۲)، ۲۳۲-۲۱۵.
- ترکاشوند، فاطمه؛ رضاییان، محسن؛ شیخ‌فتح‌الهی، محمود؛ مهراییان، میلاد؛ بیدکی، رضا؛ گروسی، بهشید؛ موحدی، محمد، (۱۳۹۲). بررسی فراوانی انواع خشونت خانگی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی، درمانی شهرستان رفسنجان در سال ۱۳۹۱. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۱۲ (۹)، ۷۰۸-۶۹۶.
- خاقانی فرد، میترا؛ خسروی، زهره، (۱۳۸۳). بررسی همسر آزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در زنان شهر تهران. *مجله مطالعات زنان*، ۲ (۶)، ۴۴-۳۳.
- سامانی، سیامک؛ سهرابی شگفتی، نادره؛ منصوری، سپیده‌السادات، (۱۳۹۰). نقش واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجانی برای سبک والدگری و مشکل‌های هیجانی. *نشریه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱ (۳)، ۱۲۴-۱۱۱.
- شارف، ریچارد اس، (۱۹۶۸). *نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره*. ترجمه: فیروزبخت، مهرداد. (۱۳۸۱). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- صادقی، رسول؛ ویژه، مریم؛ رنجبری، نسیم، (۱۳۹۸). عوامل مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان در تهران. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۲ (۱۴)، ۶۶-۳۷.
- قراچه، مریم؛ مزاری، زهرا؛ حسن‌پور ازغدی، بتول؛ حقانی، شیمیا؛ آزادی، شهدخت، (۱۳۹۹). ارتباط خشونت خانگی با دل‌بستگی مادر به شیرخوار در مادران مراجعه‌کننده به مراکز جامع سلامت وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران. *نشریه پرستاری ایران*، ۳۳ (۱۲۷)، ۸۸-۷۳.
- کاظمیان، سمیه؛ کریمی، مریم، (۱۳۹۷). رابطه هویت اجتماعی با کیفیت روابط والد فرزند در بین دانش‌آموزان دختر دوره دوم دبیرستان: بررسی مقایسه‌های نقش پدران و مادران. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۳۴ (۹)، ۱۱۸-۱۰۳.
- مصطفی، وفا؛ میرزاپور، هادی؛ فلاح‌زاده، هاجر؛ حمیدی، امید، (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای خود-متمایزسازی در ارتباط بین هم‌وابستگی و آزار عاطفی در دانشجویان زن متأهل. *فصلنامه مطالعات زن و خانواده*، ۱ (۹)، ۸۴-۵۹.

نامنی، ابراهیم؛ خدادادی، علی اکبر، (۱۳۹۸). بررسی اثربخشی آموزش غنی‌سازی روابط خانوادگی میلر بر بهزیستی روان‌شناختی و خشونت زناشویی از نگاه زنان آزار دیده. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۳۸(۱۰)، ۱۷۶-۱۴۷.

- Adhia, A; & Jeong, J, (2019). Fathers' perpetration of intimate partner violence and parenting during early childhood: results from the Fragile Families and Child Wellbeing Study. *Child Abuse & Neglect*, 96, 1-7. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.104103>
- Avinun, R; Davidov, M; Mankuta, D; & Knafo-Noam, A, (2018). Predicting the use of corporal punishment: Child aggression, parent religiosity, and the BDNF gene. *Aggressive Behavior*, 44(2), 165-175. <https://doi.org/10.1002/ab.21740>
- Berlin, L. J; Ispa, J. M; Fine, M. A; Malone, P. S; Brooks-Gunn, J; Brady-Smith, C; & Bai, Y, (2009). Correlates and consequences of spanking and verbal punishment for low-income White, African American, and Mexican American toddlers. *Child Development*, 80(5), 1403-1420. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.2009.01341.x>
- Bowen, M, (1960). *A Family Concept of Schizophrenia*. New York: Basic Book.
- Bowen, M, (1976). Theory in the practice of psychotherapy. *Family Therapy: Theory and Practice*, 4(1), 2-90.
- Bulte, I; Onghena, P; & Michiels, M. B, (2013). The single-case data analysis package: Analysing single-case experiments with R software. *Journal of Modern Applied Statistical Methods*, 12(2), 450-478. <https://doi.org/10.22237/jmasm/1383280020>
- Burns, K; Helland, H. S; Križ, K; Sánchez-Cabezudo, S. S; Skivenes, M; & Strömpl, J, (2021). Corporal punishment and reporting to child protection authorities: An empirical study of population attitudes in five European countries. *Children and Youth Services Review*, 120, 105749. <http://www.elsevier.com/locate/chilyouth>
- Chatterji, S; Heise, L; Gibbs, A; & Dunkle, K, (2020). Exploring differential impacts of interventions to reduce and prevent intimate partner violence (IPV) on sub-groups of women and men: A case study using impact evaluations from Rwanda and South Africa. *SSM-Population Health*, 11, 1-9. <http://www.elsevier.com/locate/ssmph>
- Chavis, A; Hudnut-Beumler, J; Webb, M. W; Neely, J. A; Bickman, L; Dietrich, M. S; & Scholer, S. J, (2013). A brief intervention affects parents' attitudes toward using less physical punishment. *Child Abuse & Neglect*, 37(12), 1192-1201. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2013.06.003>
- Clark, H. M; Galano, M. M; Grogan-Kaylor, A. C; Stein, S. F; & Graham-Bermann, S. A, (2021). Treating attention problems in children

- exposed to intimate partner violence: Evaluating the Preschool Kids' Club. *Children and Youth Services Review*, 128, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.chilyouth.2021.106138>
- Cotti, C; Foster, J; Haley, M. R; & Rawski, S. L, (2019). Duluth versus cognitive behavioral therapy: A natural field experiment on intimate partner violence diversion programs. *Journal of Experimental Psychology: Applied*, 26(2), 384-395. <https://doi.org/10.1037/xap0000249>
- Cuartas, J, (2021). Corporal punishment and early childhood development in 49 low-and middle-income countries. *Child Abuse & Neglect*, 120, 105205. <http://www.elsevier.com/locate/chiabuneg>
- Cuartas, J; Grogan-Kaylor, A; Ma, J; & Castillo, B, (2019). Civil conflict, domestic violence, and poverty as predictors of corporal punishment in Colombia. *Child Abuse & Neglect*, 90, 108-119. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.02.003>
- Essau, C. A; Sasagawa, S; & Frick, P. J, (2006). Psychometric properties of the Alabama parenting questionnaire. *Journal of Child and Family Studies*, 15(5), 595-614. <https://doi.org/10.1007/s10826-006-9036-y>
- Finkelhor, D; Turner, H; Wormuth, B. K; Vanderminden, J; & Hamby, S, (2019). Corporal punishment: Current rates from a national survey. *Journal of Child and Family Studies*, 28(7), 1991-1997. <https://doi.org/10.1007/s10826-019-01426-4>
- Fleckman, J. M; Scholer, S. J; Branco, N; & Taylor, C. A, (2021). Educating Parents About Corporal Punishment and Effective Discipline: Pediatricians' Preparedness, Motivation, and Barriers. *Academic Pediatrics*, 21(1), 149-157. <https://doi.org/10.1016/j.acap.2020.05.028>
- Fleckman, J. M; Taylor, C. A; Theall, K. P; & Andrinopoulos, K, (2019). The association between perceived injunctive norms toward corporal punishment, parenting support, and risk for child physical abuse. *Child Abuse & Neglect*, 88, 246-255. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.11.023>
- Frick, P, (1991). Alabama Parenting Questionnaire. University of Alabama: *Author. Communication Studies*, 48, 59-75.
- Galano, M. M; Grogan-Kaylor, A; Clark, H. M; Stein, S. F; & Graham-Bermann, S. A, (2021). Examining the 8-year trajectory of posttraumatic stress symptoms in children exposed to intimate partner violence. *Journal of Interpersonal Violence*, 36(15-16), 1-28. <https://doi.org/10.1177/0886260519844280>
- García-Moreno, C; Pallitto, C; Devries, K; Stöckl, H; Watts, C; & Abrahams, N, (2013). *Global and Regional Estimates of Violence Against Women: Prevalence and Health Effects of Intimate Partner Violence and Non-Partner Sexual Violence*: World Health Organization.
- Gershoff, E. T, (2013). Spanking and child development: We know enough

- now to stop hitting our children. *Child Development Perspectives*, 7(3), 133-137. <https://doi.org/10.1111/cdep.12038>
- Global Initiative to End All Corporal Punishment of Children, (2018) States which have prohibited all corporal punishment.
- Graham-Bermann, S. A, (2012). *The Moms' Empowerment Program: A Training Manual*. Ann Arbor: Department of Psychology, University of Michigan.
- Graham-Bermann, S. A; Castor, L. E; Miller, L. E; & Howell, K. H, (2012). The impact of intimate partner violence and additional traumatic events on trauma symptoms and PTSD in preschool-aged children. *Journal of Traumatic Stress*, 25(4), 393-400. <https://doi.org/10.1002/jts.21724>
- Graham-Bermann, S. A; Miller-Graff, L. E; Howell, K. H; & Grogan-Kaylor, A, (2015). An efficacy trial of an intervention program for children exposed to intimate partner violence. *Child Psychiatry & Human Development*, 46(6), 928-939. <https://doi.org/10.1037/fam0000091>
- Graham-Bermann, S. A; Roberts, A; Osbourne, M; Shaughnessy, S; & Finkelstein, S, (2021). Enhancing child mental health in school and community settings: A pilot study of the kids' empowerment program. *Psychological Services*. <https://DOI:10.1037/ser0000591>
- Grogan-Kaylor, A; Galano, M. M; Howell, K. H; Miller-Graff, L; & Graham-Bermann, S. A, (2016). Reductions in parental use of corporal punishment on pre-school children following participation in the moms' empowerment program. *Journal of Interpersonal Violence*, 34(8), 1563-1582. <https://doi.org/10.1177%2F0886260516651627>
- Grogan-Kaylor, A; Galano, M. M; Stein, S. F; Clark, H. M; & Graham-Bermann, S. A, (2020). Latent Profiles of Parenting among Women Exposed to Intimate Partner Violence. *Social Work Research*, 44(1), 33-46. <https://doi.org/10.1093/swr/svz028>
- Grogan-Kaylor, A; Howell, K. H; Galano, M. M; & Graham-Bermann, S. A, (2020). The Moms' Empowerment Program. In E. T. Gershoff & S. J. Lee (Eds.), *Ending the physical punishment of children: A guide for clinicians and practitioners* (pp. 121–129). *American Psychological Association*. <https://doi.org/10.1037/0000162-013>
- Grogan-Kaylor, A; Galano, M. M; Howell, K. H; Miller-Graff, L; & Graham-Bermann, S. A, (2019). Reductions in parental use of corporal punishment on pre-school children following participation in the moms' empowerment program. *Journal of Interpersonal Violence*, 34(8), 1563-1582. <https://doi.org/10.1177/0886260516651627>
- Grogan-Kaylor, Ma, J; & Graham-Bermann, S, (2018). The case against physical punishment. *Current Opinion in Psychology*, 19, 22-27. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.03.022>

- Howell, K. H; Miller, L. E; Lilly, M. M; Burlaka, V; Grogan-Kaylor, A. C; & Graham-Bermann, S. A, (2015). Strengthening positive parenting through intervention: Evaluating the moms' empowerment program for women experiencing intimate partner violence. *Journal of Interpersonal Violence*, 30(2), 232-252. <https://doi.org/10.1177%2F0886260514533155>
- Larsen, S. E; & Hamberger, L. K, (2015). Men's and women's experience of IPV part II: A review of new developments in comparative studies in clinical populations. *Journal of Family Violence*, 30(8), 1007-1030. <https://doi.org/10.1007/s10896-015-9730-x>
- Lenz, A. S, (2013). Calculating effect size in single-case research: A comparison of nonoverlap methods. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 46(1), 64-73. <https://doi.org/10.1177/0748175612456401>
- Liu, L; & Wang, M, (2018). Parental harsh discipline and adolescent problem behavior in China: perceived normativeness as a moderator. *Child Abuse & Neglect*, 86, 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.09.009>
- Liu, W; Guo, S; Qiu, G; & Zhang, S. X, (2021). Corporal punishment and adolescent aggression: An examination of multiple intervening mechanisms and the moderating effects of parental responsiveness and demandingness. *Child Abuse & Neglect*, 115, 1-12. <https://www.elsevier.com/locate/chiabuneg>
- Muzik, M; Rosenblum, K. L; Alfafara, E. A; Schuster, M. M; Miller, N. M; Waddell, R. M; & Kohler, E. S, (2015). Mom Power: preliminary outcomes of a group intervention to improve mental health and parenting among high-risk mothers. *Archives of Women's Mental Health*, 18(3), 507-521. <https://doi.org/10.1007/s00737-014-0490-z>
- Ogunbajo, A; Oginni, O. A; Iwuagwu, S; Williams, R; Biello, K; & Mimiaga, M. J, (2020). Experiencing intimate partner violence (IPV) is associated with psychosocial health problems among gay, bisexual, and other men who have sex with men (GBMSM) in Nigeria, Africa. *Journal of Interpersonal Violence*, 1-32. <https://doi.org/10.1177/0886260520966677>
- Rollero, C, (2020). The social dimensions of intimate partner violence: A qualitative study with male perpetrators. *Sexuality & Culture*, 24(3), 749-763. <https://doi.org/10.1007/s12119-019-09661-z>
- Roose, R; & Bouverne-de bie, m, (2007). Do children have rights or do their rights have to be realised? The United Nations Convention on the Rights of the Child as a frame of reference for pedagogical action. *Journal of Philosophy of Education*, 41(3), 431-443. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9752.2007.00568.x>
- Schaefer, L. M; Howell, K. H; Sheddan, H. C; Napier, T. R; Shoemaker, H. L; & Miller-Graff, L. E, (2019). The road to resilience: Strength and

- coping among pregnant women exposed to intimate partner violence. *Journal of Interpersonal Violence*, 26, 1-27. <https://doi.org/10.1177/0886260519850538>
- Stein, S. F; Galano, M. M; Grogan-Kaylor, A. C; Clark, H. M; Ribaud, J. M; & Graham-Bermann, S. A, (2021). Predictors of intimate partner violence victimization by multiple partners over a period of 8 years. *Journal of Traumatic Stress*, 1-13. <https://doi.org/10.1002/jts.22723>
- Stein, S. F; Hunter, E. C; Graham-Bermann, S. A; Galano, M. M; Clark, H. M; & Grogan-Kaylor, A. C, (2020). Maternal Acceptance of Children's Negative Emotions Among Spanish-Speaking Latinas Who Have Experienced Intimate Partner Violence. *Journal of Child and Family Studies*, 29(5), 1326-1335. <https://doi.org/10.1007/s10826-019-01554-x>
- Stein, S. F; Prakken, K; Grogan-Kaylor, A. C; Galano, M. M; Clark, H. M; & Graham-Bermann, S. A, (2020). Longitudinal correlates of maternal involvement and spanking in Spanish-speaking Latinas who have experienced intimate partner violence. *Journal of Interpersonal Violence*, 1-24. <https://doi.org/10.1177/0886260520958630>
- Wang, M, (2019). Harsh parenting and adolescent aggression: Adolescents' effortful control as the mediator and parental warmth as the moderator. *Child Abuse & Neglect*, 94, 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.05.014>
- Whitfield, C. L; Anda, R. F; Dube, S. R; & Felitti, V. J, (2003). Violent childhood experiences and the risk of intimate partner violence in adults: Assessment in a large health maintenance organization. *Journal of Interpersonal Violence*, 18(2), 166-185. <https://doi.org/10.1177/0886260502238733>
- Willie, T. C; & Kershaw, T. S, (2019). An ecological analysis of gender inequality and intimate partner violence in the United States. *Preventive Medicine*, 118, 257-263. <https://doi.org/10.1016/j.ypmed.2018.10.019>

استناد به این مقاله: نقیب الساداتی، شیرین، عیسی نژاد، امید. (۱۴۰۱). بررسی اثربخشی برنامه توانمندسازی مادران (MEP) بر کاهش استفاده از تنبیه بدنی در مادران در معرض خشونت خانگی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۱)، ۵۹-۸۴.

DOI: 10.22054/QCCPC.2022.65713.2873



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.